

جوانان ایران و بحران بین المللی اخیر

آرش کمانگر

به دنبال وقوع فاجعه ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده، جوانان تهرانی دو بار اقدام به برپایی تجمع و افروختن شمع در همدردی با مردم آمریکا کردند. این تجمعات سمبلیک که در آن چند صد نفر شرکت ورزیده بودند، مورد هجوم دسته های اوباش انصارالله و نیز نیروی بسیج قرار گرفت و طی آن دهها نفر از جوانان بازداشت شدند که از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست. برپایی این حرکات سمبلیک در کشوری که طی دو دهه اخیر «آمریکا ستیزی» و به اصطلاح مقامات رژیم اسلامی، مبارزه با «شیطان بزرگ»، جزئی تفکیک ناپذیر از سیاست، فرهنگ و حتی متون آموزشی آن در مراکز تحصیلی بوده، یک تحول نمادین مهم قلمداد می شود که لازم است حول برخی جنبه های آن مکث کنیم:

اولین نکته این است که هر انسان آزاده و نیروی مترقی در جهان و از جمله ایران، باید حساب دولت ها را از حساب ملت ها جدا کند و در این مورد خاص صرف نظر از انتقادات و حتی تنفیری که سیاست خارجی حکومت ایالات متحده در سراسر دنیا ایجاد نموده، نباید اتوماتیک وار آن را به پای اکثریت مردم این کشور نوشت و بدتر از آن کشتار تروریستی آنها را توجیه کرد.

دومین نکته این است که نمی توان به بهانه مبارزه با یک قدرت ارتجاعی، امپریالیستی و غیره از ابزارها و روش هایی سود جست که در جریان آن مردم عادی و بیگناه قربانی می شوند. به همین خاطر فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر در آمریکا می بایست بی قید و شرط از سوی همه انسان ها و از جمله مردم ایران محکوم می شد و شد. تروریست های مرتجع با این جنایت نه تنها جان هزاران انسان بیگناه را گرفتند، بلکه به امپریالیسم آمریکا نیز که داعیه مبارزه با آن را داشتند، امکان دادند که در عرصه تحمیل سیاست های قلدر منشانه خود دست به پیشروی های تازه ای بزنند.

سومین نکته این است که مردم ایران به ویژه جوانان که عموماً در زمان جمهوری اسلامی به دنیا آمده اند، بدلیل ضد امپریالیسم ارتجاعی و آمریکا ستیزی کور رژیم ایران و صد البته به دلیل تنفر عمیقی که از حکومت ملایان دارند، بعضاً حافظه تاریخی و حساسیت خویش را در برابر سیاست های غارتگرانه، زورگویانه و امپریالیستی حکومت آمریکا از دست داده اند و بخشا گروه هایی از مردم در وجود آمریکا ناجی خود را می بینند. یعنی به دلیل تنفر از رژیم اسلامی و عملکرد ویرانگرانه و انزوا طلبانه آن در ۲۲ سال گذشته ترجیح می دهند که هرکسی را که این رژیم «دشمن» بپندارد، «دوست» خود قلمداد کنند. البته در عین حال می دانیم که سلطنت طلبان ایرانی بارها و از جمله در جریان بحران اخیر، به حکومت آمریکا گوشزد می کردند که با درسگیری از اشتباهات خود در قبال رژیم ایران، به یاری و نجات مردم کشورمان پردازد و حتی برخی از آنها تلویحاً خواهان لشکرکشی به ایران به بهانه مبارزه با تروریسم بین المللی بودند.

در اینکه «آمریکا ستیزی» جمهوری اسلامی، ارتجاعی و سطحی بوده و هست شکی نیست، اما این همه نباید مردم و جوانان کشورمان را وا دارد که در تنفر از ارتجاع داخلی نسبت به ارتجاع بین المللی سمپاتی پیدا کنند. نیروهای مترقی در موضع گیری های خود بارها نشان دادند که اولاً تروریسم اسلامی و مشخصاً مورد مربوط به طالبان و بن لادن دست پرورده خود آمریکا و محصول سیاست خارجی ارتجاعی آن می باشد، ثانیاً محکوم نمودن عملیات تروریستی بنیادگرایان اسلامی و غیره نباید سبب چشم گذاشتن بر تروریسم دولتی حکومت هایی چون آمریکا و اسرائیل شود، ثالثاً گفته شد مادام که تبعیض، سرکوب، نابرابری، فقر و غیره در جهان و از جمله خاورمیانه بیداد می کند، نمی توان ریشه تروریسم را خشکاند. بعلاوه ما در جریان کودتای ۲۸ مرداد، در جریان حضور مستشاران نظامی و مامورین سیا در ایران برای تقویت رژیم و ساواک پهلوی، و نیز در جریان بندوبست آمریکا با ملایان ایران در جریان انقلاب ۵۷ برای جلوگیری از تحولات ضد سرمایه داری و چپ، و حتی معاملات تسلیحاتی هنگفت آن با جمهوری اسلامی و بندوبست های محرمانه ای چون رسوایی ایران-گیت، به خوبی شاهد سیاست های ارتجاعی دولت آمریکا در قبال مردم و منافع ملی کشورمان بودیم. تردیدی نیست که جمهوری اسلامی با عمل غیردیپلماتیک و جنون آمیز اشغال سفارت آمریکا و نیز کمک به گروه های تروریستی اسلامی برای ضربه زدن به آمریکا و اقداماتی از این دست، نه تنها تاثیر مثبتی بر مبارزات جهانی علیه امپریالیسم ها به جای نگذاشته، بلکه سبب حقانیت آنها گشته و انزوای خفه کننده ای را بر کشورمان تحمیل نموده است. ما معتقدیم مبارزه با امپریالیسم و حفظ استقلال نه مستلزم قطع روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و نه در گرو اقدامات کور تروریستی. مبارزه واقعی با امپریالیسم و قلدر منشی آمریکا، مستلزم سازماندهی و درگیرکردن عظیم ترین جنبش های توده ای برای دفاع از استقلال، حق تعیین سرنوشت، آزادی، صلح و دموکراسی و عدالت اجتماعی است. به همین خاطر در جریان بحران اخیر، ما معتقدیم که یک موضع ترقی خواهانه و انسانی باید همزمان مثلث شوم: تروریسم، امپریالیسم و راسیسم را افشا کند و به بهانه مبارزه با یکی، نباید به دیگری باج دهد، این یعنی آن که نباید به بهانه کارنامه سیاه جمهوری اسلامی، کارنامه آمریکا را سفید پنداشت و بدتر از آن، او را ناجی مردم کشورمان دانست.